



تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

بررسی ترور از دیدگاه امام خمینی (ره) با تکیه بر قرآن و روایات

قاسم ولی‌زاده بریمانلو^۱

دکتر سید حمید حسینی^۲

دکتر علی‌حسین احتشامی^۳

چکیده

در عصر حاضر گروه‌هایی وجود دارند که به نام دین اسلام، به طور گسترده‌ای دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند. همین امر دستمایه‌ای شده است که دشمنان اسلام، این دین را به عنوان ایدئولوژی جنگ، خشونت و ترور به افکار عمومی جهانیان، معرفی کنند. نظام جمهوری اسلام ایران یکی از بزرگترین قربانیان ترور و تروریسم در تاریخ معاصر جهان بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شمار زیادی از صدیق‌ترین و پاک‌ترین یاران امام خمینی (ره)، بر اثر ترورهای ناجوانمردانه به شهادت رسیدند و ترور شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس از دیگر اقدامات ترور در سال اخیر است و از این‌رو بررسی نظر امام خمینی درباره این پدیده، راهگشا به نظر می‌رسد از این‌رو بررسی پدیده ترور در اندیشه متفکرین بزرگ

۱ دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان-ایران valizadehghasem@gmail.com

۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

۳ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران



مسلمان میتواند راهنمای خوبی برای شناخت دیدگاه اسلام و پاسخگویی به شبهات وارده در این زمینه باشد. در این تحقیق به بررسی ترور از دیدگاه امام خمینی (ره) با تکیه بر قرآن و روایات پرداخته شده است و در آخر اشاره‌ای به ترور دو سردار عالی قدر، شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: ترور، امام خمینی، آیات و روایات



۱- مقدمه

در عصر حاضر گروه‌هایی وجود دارند که به نام دین اسلام، به طور گسترده‌ای دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند. همین امر دستمایه‌ای شده است که دشمنان اسلام، این دین را به عنوان ایدئولوژی جنگ، خشونت و ترور به افکار عمومی جهانیان، معرفی کنند. از این‌رو بررسی پدیده ترور در اندیشه متفکرین بزرگ مسلمان می‌تواند راهنمای خوبی برای شناخت دیدگاه اسلام و پاسخگویی به شبهات وارده در این زمینه باشد. از آنجایی هم که امام خمینی، به عنوان ارائه دهنده نوین‌ترین و عمل‌گراترین نسخه از اسلام در سال‌های اخیر محسوب می‌شوند، آگاهی از دیدگاه ایشان در مورد پدیده ترور، در شناخت نظر اسلام نسبت به این پدیده بسیار حیاتی و راهگشا می‌باشد. تروریسم، یکی از مهمترین مسائل و مشکلات کنونی جهانیان است، در این میان، مشکلی که به صورت سازمان یافته و هدایت شده، این است که این معضل در سال‌های اخیر، از طرف رسانه‌ها و سیاستمداران غربی، به اسلام نسبت داده شده است. یکی از ابزارهای استکبار جهانی برای سرکوب ملت‌های آزاده جهان، متهم کردن آن‌ها به تروریسم و یا حمایت از اقدامات تروریستی است. در عرصه داخلی نیز یکی از ابزارهای خارج ساختن نیروهای مؤمن و انقلابی از صحنه سیاست و اجتماع، متهم ساختن آن‌ها به استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز و ایجاد رعب و وحشت در مخالفان است. در فرهنگ و ادبیات حقوقی و سیاسی اسلام، واژه ترور سابقه‌ای ندارد، ولی اگر بتوان عناصر تحلیلی آن را به دست آورد، چه بسا تحت عنوان «محاربه، ارباب، تهدید و اعمال خشونت، فتک و اغتيال و غیله» قابل مطالعه و بررسی است. در این باره سوالات مهم پیرامون دین اسلام و مسئله ترور و تروریسم مطرح می‌شود و در ذهن مخاطبان جوانه می‌زند که آیا به راستی اسلام دین ترور است و خشونت را به پیروان خود به عنوان روش معرفی می‌کند؟ آیا اسلام با ترور



موافق است یا خیر؟ آیا مسلمانان اجازه دارند با استناد به سیره معصومین، دست به ترور بزنند؟ ترور چه نسبتی با مجازات اسلامی دارد؟ اسلام در برابر تروریسم چه موضعی دارد؟ در صورت مخالفت اسلام با تروریسم، اقدامات تروریستی با کدام یک از عناوین جرایم اسلامی قابل تطبیق است؟ آیا در فقه جزایی اسلام مواردی وجود دارد که بر مکلفان واجب و یا جایز باشد بدون مراجعه یا با اذن دستگاه قضایی و یا فقیه جامع الشرایط از ادامه حیات انسانی دیگر جلوگیری نماید؟ در مقاله حاضر با روش تحلیل بیانات و اندیشه‌ها، قرآنی آیات و روایت و رویکرد امام نسبت به ترور مورد بحث قرار گرفته و تلاش می‌شود به این سوال که «دیدگاه امام خمینی در مورد ترور چیست؟» پاسخ داده شود.

۱-۱- بیان مسئله

موضوع "ترور" همواره در حوزه علم سیاست و به ویژه در مناسبات و روابط بین‌الملل به عنوان موضوع مهم و درخور توجه مطرح بوده است؛ تا اینکه بعد از حادثه تروریستی یازده سپتامبر توجه به پدیده تروریسم در اولویت قرار گرفت و این موضوع به اصلی ترین بحث کنفرانس‌های سیاسی و رسانه‌های گروهی جهان واقع شد. این حادثه تاریخی و فراموش نشدنی، به عنوان نقطه عطفی در نظام بین‌الملل، مفهومی جدید و نگرشی نو به موضوع تروریسم بخشید.

رسانه‌های تبلیغاتی غربی که بیشتر تحت تأثیر بنگاه‌ها و محافل یهودی و صهیونیستی قرار دارند، برای اهداف سیاسی تلاش‌های خود را برای اثبات ماهیت تروریستی دین اسلام و دست داشتن مسلمان‌ها و از جمله اعراب در این حملات انتحاری مصروف داشته‌اند. در بیشتر تفاسیر و تحلیل‌های خود نیز جهاد اسلامی را مترادف با تروریسم معرفی می‌کنند؛ به گونه‌ای که بسیاری از غربی‌ها ضمن مرتبط



دانستن تمدن اسلامی با تروریسم، عقبه حوادث و رویدادهای تروریستی معاصر را تفکرات و اندیشه‌های اسلامی می‌پندارند.

هرچند کلمه «ارهاب» و یا «ارهابیون» بدین شکل در قرآن وارد نشده است، اما برخی مشتقات آن به صیغه‌های گوناگون در قرآن آمده است. ولی به مفهوم «ارهاب» یا «ارهابیون» که در حال حاضر در جهان سیاست مصطلح است نمی‌باشد و معنای کاملاً متفاوت با معنای اصطلاحی کنونی دارد (حسینی، ۱۳۹۸: ۳۵).

گفتنی است جامعه بین‌المللی در تعریف مفهوم «تروریسم» با مشکل مواجه می‌باشد و حتی مذاکرات متعدد سازمان ملل برای ارائه تعریف مشترک کشورها از آن به جایی نرسیده و همین امر زمینه را برای تفسیر به رأی و سوءاستفاده کشورهای قدرت طلب و استکباری از این واژه فراهم ساخته است تا بر اساس تعریف خود از «تروریسم» اهداف استکباری خود را دنبال کنند و به جنگ با دشمنان خود به اسم «تروریسم» مبادرت ورزند.

ترور، یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات کنونی است و صدها سمینار و کنفرانس، برای شناختن و بررسی علل و ریشه‌های آن و روشهای جلوگیری از آن، در دنیا تشکیل شده و دهها کتاب برای پژوهش درباره آن، از دیدگاه‌های گوناگون و در زمینه‌های مختلف مانند جامعه‌شناسی، سیاسی، حقوقی، مذهبی و اخلاقی منتشر گردیده است. چنین معضلی همواره به صورت‌های مختلف در جوامع بشری وجود داشته است. در این میان مسئله ما این است که این معضل در سال‌های اخیر، از طرف رسانه‌ها و سیاستمداران غربی، به اسلام نسبت داده شده است. وسعت این تبلیغات به حدی است که اگر از بسیاری از مردم این کشورها پرسیده شود که اولین چیزی که در ارتباط با واژه «اسلام» به ذهن شما متبادر می‌شود چیست؟ پاسخ خواهند داد: «تروریست» برخلاف سایر ادیان، اسلام مرتباً در گزارش‌های خبری و مقالات با



خشونت پیوند زده می‌شود.

وقتی پیروان سایر ادیان دست به اعمال جنایتکارانه می‌زنند، هویت مذهبی آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و در گزارشات خبری هرگز گفته نمی‌شود که قتل عام آلبانی تبارهای کوزوو به دست صرب‌های ارتدوکس شرقی صورت می‌گیرد و یا قتل عام‌های برمه‌ای‌ها، تقصیر بودایی‌هاست و یا نسل‌کشی در فلسطین کار یهودیان است اما زمانی که خطایی از جانب مسلمانی صورت گیرد که در این صورت تأکید بر مذهب فرد خاطی است. مسیحیان بیرحم مایه بی‌اعتباری مسیحیت تلقین می‌شوند، اما اگر مسلمانی مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شود، به عنوان مصداق از تهدید اسلام، اعلام می‌شود. این چنین برخورد دوگانه موجب تقویت تفکری خصمانه درباره اسلام است که چهره آن را زشت و مهیب جلوه داده است (آشوری، ۱۳۹۷: ۳۸).

ترور یکی از واژه‌هایی است که در ادبیات قدیم و جدید و فرهنگ علوم سیاسی کاربرد فراوانی دارد و امروزه بحث تروریست از حساسیت زیادی برخوردار می‌باشد به گونه‌ای که مستکبران و بسیاری از سران جنایتکار دولتهای استکباری برای قلع و قمع مخالفان سیاست‌های سلطه‌گرانه خویش و جنبش‌های آزادی‌بخش از این اصطلاح سوءاستفاده می‌نمایند. ازاین‌رو جای آن دارد که دیدگاه اسلام در خصوص این پدیده بررسی و تفاوت آن با مبارزات آزادی‌بخش روشن گردد. امروزه این سؤال ذهن بسیاری را درگیر کرده است که دیدگاه آیات و روایات درباره ترور و تروریست چیست؟ و چه تفاوتی با مبارزات آزادی‌بخش دارد؟ کم و بیش گزارش‌هایی در تاریخ صدر اسلام دیده می‌شود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور کشتن برخی افراد را صادر کرده‌اند و لازم است ضمن بررسی صحت و سقم این گزارشها تفاوت این دستورات علی فرض صحت با ترور مذموم مورد بررسی قرار گیرد. سؤالات و نکات یاد شده ما را بر آن داشت که در این پایان‌نامه موارد یاد شده را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهیم. به هر روی سؤال اصلی این پژوهش عبارت است:



دیدگاه آیات و روایات درباره ترور و تروریست چیست؟ و آیا به راستی اسلام دین ترور است و خشونت را به پیروان خود به عنوان روش معرفی کرده است؟ برای یافتن پاسخ این سؤال مهم لازم است که به متون اولیه و اصیل اسلام یعنی قرآن و آنچه که در ارتباط با سنت معصومین (علیهم السلام) وجود دارد مراجعه کرد و با دید کشف حقیقت و صرف نظر از هر گونه نظرات دیگران و تبلیغات، پاسخ این سؤال را پیدا کرد و برداشت واقعی را بدون ترس و خودباختگی در برابر فرهنگ غرب معرفی نمود.

۲-۱- تعریف لغوی و اصطلاحی ترور

از پدیده‌ی ترور «Terror» که در لغت به معنای ترس و وحشت است (علیزاده، ۱۳۷۷: ۲۷۴)، تعاریف متعددی به عمل آمده است. در این قسمت بر تعاریف مختلف از ترور مروری خواهیم داشت. داریوش آشوری، در دانشنامه سیاسی در تعریف ترور چنین می‌گوید: ترور، در لغت، در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس افکنی است؛ و در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها ترور می‌گویند و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود، دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود. همچنین ترور به معنای کشتار سیاسی نیز به کار می‌رود (آشوری، ۱۳۹۰: ۷۶). فرهنگ جامع سیاسی نیز بیان می‌کند: ترور، به معنای ترس و وحشت است و در اصطلاح عام بیشتر به قتل‌های سیاسی گفته می‌شود که البته معنای واقعی این واژه نیست. (ترابی، ۱۳۹۵: ۳۷). همچنین آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی، ترور را به معنای حالت و یا احساس ترس دسته جمعی می‌داند که خشونت و کشتار بی‌حساب موجب آن است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۶).



فرهنگ علوم سیاسی نیز این تعریف را از ترور ارائه می دهد: ترور به معنای وحشت و ترس زیاد است. همچنین در معنی حزب یا جنبشی که باعث به حالت وحشت فوق العاده ای اطلاق می شود حالت ترور شود به کار رفته است. اصطلاحاً که ناشی از دست زدن به خشونت و قتل و خونریزی از سوی یک گروه، حزب و یا دولت به منظور نیل به هدف های سیاسی، کسب و یا حفظ قدرت است (افتخاری راد و فتوره چی، ۱۳۹۵).

با بررسی تعاریف مذکور در می یابیم که ترور هم به یک حالت و نیز اقدام خاص اشاره دارد. منظور از حالت، وضعیت ترس و هراس است که از دست زدن به اقدامات خاص که تروریستی نامیده می شوند، ناشی می گردد. پس می بینیم که ایجاد ترس، وحشت و هراس اجزای الیفک ترور است. پس به صورت کلی می توان ترور را اینگونه تعریف کرد.

۳-۱- ترور از منظر آیات و روایات

۳-۱-۱- آیات:

خداوند در آیه ۱۵۱ سوره انعام می فرماید: {قُلْ تَعَالُوا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّكُمْ عَلَیْكُمْ اِلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوَالِدَیْنِ اِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا اَوْلَادَكُمْ مِنْ اَمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِیَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا اَلْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنٌ وَلَا تَقْتُلُوا اَلنَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اَللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِه لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ}؛ بگو بیائید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم و آن اینکه چیزی را شریک او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان را از بیم فقر نکشید. ما شما و آن ها را روزی می دهیم و به کارهای زشت نزدیک نشوید چه آشکار و چه پنهان و جانی را که خدا محترم شمرده و کشتن او را حرام کرده، جز به حق نکشید. اینهاست که خداوند شما را بدان سفارش نموده



است شاید بیندیشید.

خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده می‌فرماید:

{ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا }
بدین سبب بر بنی اسرائیل نوشته و مقرر داشتیم که هر کس انسانی را جز برای قصاص نفس یا فساد که در زمین کرده بکشد چنان است که گوئی همه مردم را کشته و هر کس انسانی را حیات بخشد گوئی همه مردم را زنده کرده است.

۳-- خداوند در سوره اسراء آیه ۳۲ می‌فرماید: {وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا} و نفسی را که خداوند حرام نموده جز به حق نکشید و کسیکه مظلوم کشته شود ما حتماً برای ولی او تسلطی قرار دادیم پس او نباید در کشتن اسراف کند زیرا که او یاری شده است.

در همه‌ی آیاتی که ذکر شد خداوند حکیم برای انسان فضیلت و کرامت فراوانی را لحاظ داشته و از فحواى کلام الهی استفاده می‌شود که حیات بشری بسیار حائز اهمیت بوده و قتل و نابودی افراد در منظر خداوند بسیار قبیح و ناپسند است.

۱-۳-۲- روایات

۱- ابوالصباح کنانی به امام جعفر می‌گوید: {إِن لَّنَا جَارًا مِنْ هَمْدَانَ يُقَالُ لَهُ الْجَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ يَسُبُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) أَفْتَأْذِنُ لِي إِنْ أَقْتُلُهُ؟ قَالَ: إِنْ إِلَّا سَلَامَ قَيْدِ الْقَتْلِ وَ لَكِنْ دَعَا فَسَتَكْفِي بِغَيْرِكَ قَالَ: فَانْصَرَفَتْ إِلَى الْكُوفَةِ فَصَلَّتِ الْفَجْرَ فِي الْمَسْجِدِ وَ إِذَا



أَنَا بِقَاتِلٍ يَقُولُ وَجَدَ الْجَعْدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى قَرَّاشِهِ مِثْلَ الرُّقِيِّ الْمَنْفُوحِ مَتِيًّا قَدْ هَبُوا يَحْمِلُونَهُ إِذَا لَحَمَهُ سَقَطَ عَنْ عَظْمِهِ فَجَمَعُوهُ عَلَى نَطْعٍ وَإِذَا تَحْتَهُ أُسُودٌ قَدْ قُتُوهُ، یکی از همسایه‌های مکه از قبیله همدان و نامش جعه بن عبدالله است به علی (ع) دشنام می‌دهد آیا اجازه می‌دهی که او را بکشم فرمود: اسلام ترور را منع کرده است او را رها کن زیرا به زودی فرد دیگری این کار را انجام می‌دهد.

ابوصباح به سوی کوفه رفته و در مسجد مشغول نماز صبح شدند در این حال گوینده‌ای می‌گفت جعد بن عبدالله مانند مرده‌ای که باد کرده باشد در رختخوابش پیدا شد سپس گروهی رفتند و او را حمل کردند در این حال گوشتش از استخوانش جدا می‌شود در حالیکه جسد او سیاه بود او را به خاک سپردند.

۲- پیامبر اکرم فرمود وقتی در معراج بودم چیزهایی را دیدم پرسیدم این‌ها چیست گفتند نشانه‌های آخر زمان است پرسیدم آخر زمان چه زمانی است خداوند فرمود آخر زمان وقتی است که علم محو گردد و جهل ظاهر شود قاریان قرآن زیاد شوند و عمل کاهش یابد ترور بالا رود فقهای هدایتگر اندک و فقهای گمراه و خیانتکار زیاد و شاعران فراوان شوند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۷).

۳ - در نهج البلاغه، نامه ۵۳، امام عدالت در ذیل نامه خود به مالک‌اشتر می‌فرماید:

{إِيَّاكَ وَالْدَّمَاءَ وَسَفْكَهَا بَعِيرٍ جَلَّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَذْنَى لِنِقْمَةٍ، وَلَا أَعْظَمَ لِنَبِيْعَةٍ، وَلَا أَحَرَى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ، وَأَنْقِطَاعِ مُدَّةٍ، مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بِعَيْرٍ حَقَّهَا. وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ مُبْتَدِئُ بِالْحُكْمِ بَيْنَ الْعِبَادِ فِيمَا تَسَافَكُوا مِنَ الدَّمَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ فَلَا تُقَوِّينَ سُلْطَانَكَ بِسَفْكِ دَمٍ حَرَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يُضَعِّفُهُ وَ يُوهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَ يَنْقُلُهُ،}، برهیز از ریختن خون بنا حق، زیرا هیچ چیز در نزدیک ساختن کیفر انتقام، بزرگ ساختن مجازات، سرعت زوال نعمت و پایان بخشیدن به زمامداری، همچون ریختن خون ناحق نیست؛



و خداوند سبحان در دادگاه قیامت قبل از هر چیز در میان بندگان خود، در مورد خون‌هایی که ریخته شد دادرسی خواهد کرد؛ بنابراین حکومت را با ریختن خون حرام تقویت مکن. چرا که آن را تضعیف و سست می‌کند بلکه بنیاد آن را از جای می‌کند (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۷۹). با دقت در کلام مولای متقیان کرامت انسانی و ارزش حیات بشری و عنایت به ارزش‌های والای انسانی به وضوح دیده می‌شود؛ و آنچه زشت و ناپسند است مرگ و نابودی و ترور و قتل افراد است.

در روایت دیگری آمده است. مسلم بن عقیل، نقل کرده است وقتی شریک بن عبدالله اعور در خانه هانی مریض شد. عبیدالله بن زیاد تصمیم گرفت به عیادت شریک برود. شریک به مسلم گفت: فردا این تبهکار به عیادت من می‌آید. من او را سرگرم می‌کنم هنگامی که آب طلب کردم بیرون بیا و او را به قتل برسان. فردای آن روز وقتی عبیدالله وارد خانه هانی شد، مسلم از انجام عمل خود منصرف شد وقتی به او گفته شد چرا منصرف شدی گفت پیامبر فرموده است. {إِنَّ الْإِيمَانَ قَيْدُ الْفَتَكِ وَلَا يَفْتِكُ مُؤْمِنٌ}؛ ایمان مانع ترور است و مؤمن اقدام به ترور نمی‌کند (طبری، ۱۴۹۵:

۳۶۷)

۱-۴- واژه‌های مرتبط با ترور در متون اسلامی

۱-۴-۱. فتک: در زبان عربی «الفتک» یعنی کشتن شخصی از روی بی‌خبری و غفلت و نیز به معنای شخصی است که از غفلت دیگری استفاده می‌کند و او را می‌کشد یا مجروح می‌نماید (قیم، ۱۳۸۴: ۷۷۵). یکی از فقهای معاصر نیز فتک را به کشتن ناحق و ناجوانمردانه تعبیر کرده است و آن را مصداق ترور دانسته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۰: ص ۱۷).

در کتاب مبسوط آمده است ترور یعنی ترس و وحشت و به اصطلاح قتل سیاسی



با اسلحه است و در فقه آن را فتک گویند فتک آن است که از روی غفلت یورش برده و آن را بکشند خواه با سلاح یا بدون سلاح در امور سیاسی باشد یا غیر آن بنابراین تعریف فتک اعم از ترور است یعنی ترور از مصداق فتک می باشد. قاتل زبیر او را به فتک کشت. اگر فتک یا همان کشتن غافلگیرانه با اهداف سیاسی همراه باشد می تواند مصداق ترور باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۷).

۱-۲-۴. ارباب: در ادبیات قدیم به معنای ترس ترساندن و دچار هراس کردن است در قرآن کریم سوره بقره آیه ۴۰ می فرماید: {وَاِيَّا قَارِهٖبُونَ} یعنی فقط از من بترسید. در لغت نامه دهخدا هم به معنای ترسانیدن آمده است (دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۹۳۳) در تعابیر سیاسی نیز ارباب دومی به معنای دولت تروریستی به کار می رود.

۱-۳-۴. اغتial: به معنای پنهانی و به شکل یک هم قتل باخ بشود او را از پای درآوردن همراه با حيله و نیرنگ آمده است (قیم، ۱۳۸۴: ۷۶۹)؛ بنابراین اگر شخصی، فرد دیگری را بدون هدف و غرض سیاسی کشت اصطلاح ترور معنائی ندارد، مگر آنکه به اندازه ای ترس و وحشت ایجاد کند که عموم مردم را به هراس اندازد.

۱-۵- مصداق ترور در فقه و متون اسلامی

برخی معتقد هستند که فتک و محاربه را می توان از مصادیق ترور در فقه اسلامی محسوب نمود. به دلیل آنکه عنصر محاربه ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و سلب حیات مدنی جامعه و همچنین باعث ایجاد ناامنی در جامعه است.

محاربه از فتک و اغتial و ترور عام تر است، چون محاربه به عنوان «تجريد سلاح» برای ترساندن مردم و اراده فساد در زمین است که شامل کشتن و غیرکشتن هم می شود؛ و ایجاد ناامنی و ترس وحشت هم می نماید (مرعشی، ۱۳۹۰: ۵۳). یکی از حقوقدان ها، معتقد است، محاربه دقیقاً معادل تروریسم است، به دلیل اینکه



واژه ترور به معنای رعب و وحشت است پس ترور یعنی ایجاد رعب و وحشت، از طرفی محاربه نیز، یعنی برهنه ساختن سلاح برای ترساندن و جرمی است مطلق بدون اینکه ضرری صورت پذیرد. ولی قصد ترسانیدن بایستی وجود داشته باشد (دهخدا، ۱۳۴۳: ۱۹۳۶)

۱-۶- ترور از دیدگاه خمینی

در این قسمت، درصدد هستیم که مفهوم ترور را در اندیشه امام مورد بررسی قرار دهیم و رویکرد ارزشی و سیاسی ایشان را نسبت به این پدیده مشخص سازیم. به نظر می‌رسد که بایستی تمرکز عمده بر دوران رهبری سیاسی ایشان (از پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان ارتحال) و به ویژه سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ باشد. چرا که ایشان در این برهه زمانی، به طور مستقیم با پدیده ترور مواجه شدند. در طی این سال‌ها تعداد زیادی از نزدیک‌ترین، بهترین و شاخص‌ترین یاران امام، توسط گروه‌های ضد انقلاب ترور شدند و به شهادت رسیدند. فلذا در این برهه زمانی، شاهد برخورد و اعلام موضع صریح امام در برابر ترور هستیم.

در این میان مهم‌ترین منبعی که می‌توان به آن رجوع کرد، صحیفه امام است. این اثر بیانگر افکار، اندیشه، راهبرد، مدیریت و سازوکارهای سیاسی ایشان در دوره نهضت اسلامی است. پس مهم‌ترین منبع ما در بررسی پدیده ترور از دیدگاه امام، صحیفه امام خواهد بود.

تعریف ترور از دیدگاه امام خمینی به استناد نمایه‌ای که در انتهای دوره بیست و دو جلدی صحیفه امام درج شده است، واژه‌ی ترور به تهایی یا به صورت ترکیب مانند «ترور اشخاص»، «ترور انقلاب»، «ترور روحانیت»، «ترور علما»، «ترور مجاهدان»، «ترور مظلومان»، «ترور وحشیانه»، «ترورها»، «تروریست‌ها» و



«تروریسم امریکایی»، جمعا تعداد ۱۰۳ بار آمده است. برای ارائه تعریفی از ترور از منظر امام، بایستی تمام موارد کاربرد این واژه توسط ایشان را بررسی کنیم. حتی یک بررسی اجمالی و مطالعه مختصر این موارد، نشان می‌دهد که تعریف امام از ترور، بسیار نزدیک به تعریف علمی و کلاسیک و متعارف از پدیده ترور است. الزم به ذکر است که ایشان، هیچگاه به تعریف ترور و تروریسم نپرداخته‌اند، بلکه با بررسی بیانات ایشان و از محتوای کلام ایشان، می‌توان تعریفی از ترور از دید ایشان ارائه داد طبق تعریفی که ارائه شد، ترور که از نظر لغوی، به معنای هراس و وحشت است، اصطلاحا به رفتار فرد، گروه، حزب و یا دولت اطلاق می‌شود که از طریق خشونت، قتل، خونریزی، ایجاد ترس و وحشت می‌خواهد به هدف‌های سیاسی خود برسد. بر اساس این تعریف عام، عناصر اصلی ترور و یک رفتار تروریستی عبارتند از: خشونت، قتل، خونریزی و ایجاد ترس و وحشت به منظور رسیدن به یک هدف به طور عمده سیاسی. با بررسی بیانات امام، به خوبی می‌توان دید که ایشان، به ابعاد مسئله اشراف کامل دارند و تمام عناصر این تعریف علمی از ترور، در سخنانشان نیز مشاهده می‌شود. در بیانات امام درباره ترور، به طور غیرمستقیم به عناصر ترور و رفتار تروریستی و به نوعی به تعریف علمی و متعارف از ترور، اشاره شده است. اولین عنصری که برای پدیده ترور و یک رفتار تروریستی برشمردیم، عبارت بود از خشونت، قتل و خونریزی. در بیانات امام نیز به وضوح به این عنصر، یعنی خشونت، قتل و خونریزی به عنوان یکی از مؤلفه‌های پدیده ترور اشاره شده است و به وسیله اعمال فاسد و سرسپرده و یا جاهل بی‌اراده... قدرت‌های شیطانی مستقما از هیچ وسیله‌ای گرچه مفتضح و واضح الفساد دریغ نکردند، از ترور کور اشخاص بیگناه کوچه و بازار تا انفجارهای منجر به قتل خردسالان و کهنسالان (امام خمینی، ۱۳۸۰: ۱۳۸). ایشان در ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، در سخنرانی مراسم بزرگداشت شهادت استاد مطهری، چنین فرمودند: «دلیل عجز شماس که در سیاهی شب، متفکران ما



را می‌کشید» (خمینی، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

همچنین در سخنرانی در جمع زندانیان سیاسی زمان رژیم پهلوی در تاریخ ۱۱ آبان ۵۸ بیان داشتند: بفهمانید به اینهایی که این طور کارهای ناجوانمردانه می‌کنند... بلکه این نحو کشتن که به طور ناگهانی و دزدی می‌کشند، این دلیل بر شکست آن‌هاست (خمینی، ۱۳۸۰: ۴۴۱).

به خوبی مشخص است که در دیدگاه ایشان نیز، مؤلفه اولیه و اصلی ترور، خشونت، قتل و خونریزی است؛ به ویژه اینکه، بر ناگهانی و مخفیانه بودن این نوع اقدامات نیز تأکید کرده‌اند. مؤلفه بعدی یک عمل تروریستی، تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و جامعه است. ایجاد رعب و هراس در جامعه و نیز بین دولتمردان و حکام، وسیله‌ای برای تسهیل و نیل به اهداف مرتکبین اعمال تروریستی است. امام نیز در بیانات خود، به این عنصر یعنی مؤلفه ایجاد ترس، وحشت و ارباب از طریق دست زدن به قتل، خشونت و خونریزی اشاره داشته‌اند: تروئیست‌ها نمی‌توانند شخصیت انسانی مردان اسلام را ترور کنند. آنان بدانند که به خواست خدای توانا ملت ما با رفتن اشخاص بزرگ در مبارزه علیه فساد و استبداد و استعمار مصمم تر می‌شود... اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیرانسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده‌اند (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۰).

همچنین ایشان در جایی دیگری فرمودند: ترسند از اینکه این اقشار ضعیف به جنبش درآمدند و به خیال خود برای ارباب ملت ترور می‌کنند. ملت ما هرگز از این معانی نمی‌ترسد و نهضت ما هرگز ترور نمی‌شود. ترور اشخاص، ترور نهضت نیست... هرگز ما نمی‌ترسیم از این ترورها، هرگز به عقب بر نمی‌گردیم؛ و هرگز اجازه نمی‌دهیم شرق و غرب دخالت کند در مملکت ما... (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۴).



همچنین در تاریخ ۲۹ آذر ۵۸، در جمع فرماندهان و پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چنین فرمودند: کارهای غیرعقلایی که می‌کنند، می‌بینید که به نفع ما تمام می‌شود... ترور می‌کنند به خیال اینکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، می‌بینند که شجاعتشان افزون می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۶).

با بررسی این بیانات مشخص می‌شود که در تعریف ایشان از ترور، علاوه بر عنصر قتل، خونریزی و خشونت، مسئله ایجاد رعب، وحشت و هراس نیز وجود دارد و ایشان به خوبی شاهد بودند که تروریست‌ها در پی ایجاد رعب، وحشت و هراس هستند. پس تا اینجا تعریف امام، به تعریف مصطلح در علوم سیاسی، بسیار نزدیک می‌شود. گفته شد که ترور به رفتارهایی اطلاق می‌شود که از طریق قتل، خونریزی، خشونت و ایجاد رعب و وحشت، به دنبال رسیدن به اهداف سیاسی است. پس عنصر مکمل و متمم تعریف پدیده ترور، داشتن هدف به ویژه هدفی سیاسی است؛ یعنی همواره، عمل تروریستی در پی رسیدن به هدفی صورت می‌گیرد و قتل، خشونت، خونریزی و ایجاد رعب، وحشت و هراس، وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی، بالاخص سیاسی است. امام نیز در بیانات خود، به هدفدار بودن اقدامات تروریستی اشاره کرده‌اند و معتقدند که تروریست‌ها با توسل به اقدامات تروریستی، به دنبال رسیدن به هدف سیاسی هستند. ایشان در سخنرانی ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸ در مدرسه فیضیه قم، در این‌باره چنین گفتند: این نوکرهای چپ و راست این انگل‌ها، این چپاولگران و معاونین چپاولگران بدانند این حرکات مذبحانه را نمی‌توانند ادامه دهند. با ترور شخص میدان برای آن‌ها باز نخواهد شد... ترور برای شما فایده ندارد (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۷).

ایشان در جایی دیگر نیز به مساله هدف سیاسی برای ترور چنین اشاره نمودند: امریکا بدگمان کرده است که با کشتن و ترور می‌تواند کاری انجام بدهد. کمونیست‌های ساختگی... مکتب‌های انحرافی... ریشه‌های گندیده رژیم سابق بد



خیال کرده اند که می‌توانند با ترور جلو احساسات ملت ما را بگیرند... اگر ما ترور بشویم ملت ما هست... نهضت ما زنده است (خمینی، ۱۳۷۹: ۳۵۸).

از این بیانات به خوبی می‌توان فهمید که از نظر امام، قتل، خونریزی، ایجاد رعب و هراس، زمانی عنوان ترور به خود می‌گیرد که با یک هدف سیاسی صورت پذیرد. ایشان در این کلام سیاسی به پدیده ترور اشاره کرده‌اند و این امر می‌تواند به خوبی، مرز بین یک قتل ماهیت اساساً عادی و یک اقدام تروریستی را مشخص سازد. با بررسی بیانات و سخنان امام درباره‌ی ترور، به این نتیجه می‌رسیم که تعریف ایشان از ترور، بسیار نزدیک و شاید کاملاً منطبق با تعریف علمی و مصطلح در علوم سیاسی باشد؛ گرچه به طور واضح و صریح و مستقیم، ترور را تعریف نکرده‌اند ولی به راحتی می‌توان از بیانات ایشان فهمید که تعریفشان، منطبق با تعریف متعارف از ترور است و این امر، نهایت عملگرایی سیاسی و وسعت نظر و بینش امام را نشان می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت که از دیدگاه امام نیز ترور به رفتار فرد، گروه، حزب یا دولتی اطلاق می‌شود که از طریق خشونت، قتل و خونریزی ناگهانی و مخفیانه و ایجاد رعب و ترس و وحشت، می‌خواهد به اهداف سیاسی خود برسد.

۷-۱- رویکرد خمینی نسبت به ترور

دیدیم که تعریف مد نظر امام از ترور، بسیار نزدیک و شاید از جهاتی عیناً مشابه با تعریف علمی و مصطلح از ترور در علوم سیاسی می‌باشد. پس از یافتن معنای واژه ترور در اندیشه امام، در این قسمت، به دنبال این هستیم که از الباقی بیانات و سخنان ایشان، نظر ارزشی‌شان را درباره این پدیده بررسی کنیم. حتی با نگاهی اجمالی به بیانات ایشان درباره‌ی ترور، به راحتی می‌توان فهمید که امام،



نظري بسيار منفي درباره‌ی اين پديده داشته‌اند. به روشني مشخص است که هر جايي امام از ترور و تروريسم صحبت کرده‌اند، لحن ايشان حايي از نفرت و بيزاري از اين پديده است. امام خميني، به صراحت، ترور و اقدامات تروريستي را رفتاري غيرانساني معرفي مي‌کنند. از نظر ايشان، ترور، اقدامي غيرانساني و در عين حال بسيار ناجوانمردانه است: تروريست‌ها نمي‌توانند شخصيت انساني مردان اسلام را ترور کنند... اينان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با اين رفتار غيرانساني مي‌خواهند انتقام بگيرند... بد گمان کرده‌اند (خميني، ۱۳۷۹: ۳۶۱).

بفهمانيد به اينهاي که اينطور کارهاي ناجوانمردانه مي‌کنند... بلکه اين نحو کشتن که به طور ناگهاني و دزدكي مي‌کشند (امام خميني، ۱۳۷۹: ۴۴۱) از طرف ديگر، ايشان معتقدند که ترور، اقدامي احمقانه و ناشي از حماقت و نهايت بي‌عقلي عاقل، است و بنابراين، مي‌توان نتيجه گرفت که از نظر ايشان، افراد واقعا ترور و اقدامات تروريستي هيچ وقت دست نمي‌زنند: حالا شخصيت‌ها را ترور مي‌کنند، خيال مي‌کنند و در عين حالي کهديدند که یک شخصيتي را که ترور مي‌کنند سرتاسر ايران تظاهر مي‌کنند و قوی‌تر مي‌شوند، مع‌ذلک از بي‌عقليشان باز اين کار را انجام مي‌دهند (امام خميني، ۱۳۷۹: ۳۵۱). ايشان همچنين در سخنراني خود در تاريخ ۲۹ آذر ۵۸ درمورد غيرعقلاني بودن ترور چنين فرمودند: ...اين‌ها و کارهاي غيرعقلاني که مي‌کنند، مي‌بينيد که به نفع ما تمام مي‌شود... ترور مي‌کنند به خيال اينکه ما را بترسانند، ملت ما را بترسانند، مي‌بينيد که شجاعتشان افزون مي‌شود (امام خميني، ۱۳۷۹: ۳۵۶).

از آنجايي که از نظر امام، ترور عملي غيرانساني، غيرعقلاني و احمقانه است، پس ناشي از نداشتن منطق نيز هست و دليل اينکه بعضي‌ها به اقدامات تروريستي دست مي‌زنند، اين است که آنان منطق ندارند: دليل عجز شماسست که در سياهي شب، متفکران ما را مي‌کشيد، براي اينکه منطق نداريد. اگر منطق داشتيد که صحبت



می‌کردید؛ مباحثه می‌کردید. لکن منطق ندارید، منطق شما ترور است... (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸۳) از طرف دیگر و علاوه بر موارد فوق، امام معتقد بودند که دست زدن به ترور ناشی از ضعف، شکست و زبونی است و فقط شکست خوردگان، زبونان و افرادی که در برابر منطق، احساس ضعف و شکست می‌کنند و در نتیجه به علت نداشتن پایگاه مردمی، شکست خورده‌اند، به اقدامات تروریستی دست می‌زنند. از این رو، ایشان ترور را کاری مذبحانه می‌دانند؛ اینان که شکست و مرگ خود را لمس نموده و با این رفتار غیر انسانی می‌خواهند انتقام بگیرند یا به خیال خام خود مجاهدین در اسلام را بترسانند، بدگمان کرده‌اند (همان).

ایشان در سخنرانی روز ۲۴ تیرماه ۵۸ در جمع اساتید دانشگاه اصفهان و انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور، به صراحت اعلام کردند کسانی که خود را ضعیف و از بین رفته می‌بینند، به اقدامات تروریستی متوسل می‌شوند؛ دلیل مأیوس شدن، این دست زدن به این ترورها و به این کارهای خرابکاری است... این‌ها دلیل بر ضعف است. کسی که خودش را دیگر ضعیف می‌داند و از بین رفته می‌داند، به این امور تخریبی دست می‌زند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۹۵) همچنین امام در سخنرانی خود به مناسبت ترور و شهادت محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر، در جمع اقشار مختلف مردم در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۶۰، دست زدن به اقدامات تروریستی را نهایت ضعف و زبونی ترورگران می‌دانند. پس از نظر ایشان، افرادی که قدرتمند باشند؛ یعنی به قدرت منطق یا قدرت حمایتی مردمی مجهز باشند، به این اعمال زبوانه دست نمی‌زنند، بلکه فقط آن‌هایی که در نهایت ضعف باشند، از شیوه‌های تروریستی استفاده می‌کنند؛ و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می‌دهند، یک بمب در یک جا منفجر کردن، یک بچه دوازده ساله هم می‌تواند او را بگیرد، یک جایی بگذارد و خود او هم منفجر بشود. این قدرتی نیست، این کمال ضعف است (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۳۹). از نظر ایشان، نه تنها افراد،



بلکه حتی دولت‌هایی هم که احساس ضعف می‌کنند، به ترور پناه می‌برند: امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را... به آزمایش گذاشته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۲۰)، خمینی از سویی دیگر، ایشان تروریست‌ها را افرادی می‌دانند که از درک مسیر صحیح عاجز گشته‌اند. از نظر ایشان، ترور مکتبی انحرافی است و توسل به اقدامات تروریستی و ترورگری را از جمله ویژگی‌های منحرفین و گمراهان می‌دانند: امریکا بد گمان کرده است که با کشتن و ترور می‌تواند کاری انجام بدهد. کمونیست‌های ساختگی... مکتب‌های انحرافی... ریشه‌های گندیده رژیم سابق بد خیال کرده‌اند که می‌توانند با ترور جلو احساسات ملت ما را بگیرند. (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

این چه انگیزه‌ای دارد که این‌ها به این جنایت دست می‌زنند؟ این‌ها همه برای این است که خدای تبارک و تعالی این‌ها را کر و کور کرده است. این‌ها را از آن ادراک راه صحیح محروم کرده است. یعنی خودشان اسباب محرومیت را فراهم کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۳۳۴). علاوه بر موارد ذکر شده، از نظر امام، ترور اقدامی چپاولگرانه و هم ردیف غارت است و در عین حال مساوی با فساد و مفسده بوده و وسیله و شیوه‌ای مقتضی است؛ هر جا توانستند عملاً هم خرابکاری کردند، مثل کردستان، خوزستان، اینجاها عملاً هم مشغول به فساد و مفسده شدند... عده‌ای از سربازها به شهادت رساندند... مرحوم آقای قاضی طباطبایی... آن‌ها این طور اشخاص را یکی یکی ترور می‌کنند و منظور این است که مأیوس کنند شما را (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۴۵۲) بنابراین می‌بینیم که از نظر ایشان، نه تنها ترور مساوی با غارت، فساد و چپاولگری است، بلکه یا قدرتهای شیطانی و یا افراد فاسد سرسپرده و یا جاهلان بی‌اراده، از این شیوه‌ها برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

با بررسی بیانات امام به این نتیجه می‌رسیم که از دیدگاه ایشان، ترور عملی



غیرانسانی است و انسان کرامت و ارزش خاصی دارد و از این رو تنها افرادی که به حضيض ذلت افتاده‌اند به اقدامات غیرانسانی دست می‌زنند. از طرف دیگر ایشان، ترور را غیرعقلانی و احمقانه می‌دانند، پس ترور نشان دهنده این است که فرد از ندای فطرت و عقل خود دور شده و رو به سوی فساد و مکاتب انحرافی آورده و اراده خود را از دست داده و به وادی جهالت افتاده است. از این رو، نداشتن منطق، احساس ضعف، زبونی و شکست خوردگی است که موجب می‌گردد فرد به اعمال و اقدامات تروریستی دست بزند. امام، ترور را مساوی با فساد و مفسده، چپاول و غارت می‌دانند و معتقدند افرادی که از ادراک مسیر صحیح و پیمودن راه کمال انسانی عاجز شده و به ورطه انحراف و گمراهی افتاده و البته خود اسباب محرومیت خود از هدایت الهی را فراهم کرده‌اند، برای رسیدن به اهداف غیر انسانی خود به ترور متوسل می‌شوند. با این اوصاف، پر واضح است که ایشان که به ارزش والای انسانی اعتقاد دارند و عقل انسانی را هم‌ردیف وحی الهی می‌دانند و تمام تلاششان، هدایت انسان به سوی کمال برین بوده است، به هیچ وجه نمی‌توانند با پدیده‌ی ترور موافق باشند. با تعریفی که امام از ترور دارند و با اوصافی که در مورد دیدگاه ایشان به ترور برشمردیم، مسلم و واضح است که ایشان با قاطعیت تمام، ترور را محکوم می‌کنند و توسل به شیوه‌های تروریستی برای رسیدن به اهداف سیاسی را نه تنها نادرست می‌دانند، بلکه به شدت با آن مخالف بوده و بنا به دلایل شرعی، اخلاقی و انسانی، ترور، تروریسم و هرگونه اقدام تروریستی را محکوم می‌نمایند.

۸-۱- ترور قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس

در تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۲۰، مصادف با چهاردهم دی ۱۳۹۸ طی یک عملیات تروریستی، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران به همراه «ابومهدی المهندس»



جانشین فرمانده الحشد الشعبی و سایر همراهانشان، طی یک عملیات تروریستی در نزدیکی فرودگاه بغداد، پایتخت عراق، مورد هدف پهباد آمریکایی قرار گرفته و به شهادت رسیدند. در پی این ترور، مقامات آمریکایی علت این اقدام را دستور صریح رئیس‌جمهور این کشور اعلام نمودند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا نیز با مطرح کردن ادعاهای بی‌پایه و اساس علیه سردار سلیمانی مدعی شد. ژنرال قاسم سلیمانی هزاران آمریکایی را در برهه‌ای از زمان کشته یا به شدت مجروح کرده بود و در حال برنامه‌ریزی برای کشتن تعداد بیشتری بود و ایالات متحده آمریکا باید مدت‌ها قبل او را از میان بر می‌داشت. از آنجاکه اصل ترور سردار شهید سلیمانی و از میان برداشتن وی و همراهانش، به یکی از مباحث مهم حقوقی، بین‌المللی قابل توجه در جهان و منطقه تبدیل شده است. بی‌تردید حمله آمریکا در سوم ژانویه ۲۰۲۰ در خاک عراق، به سردار شهید سلیمانی و همراهانش، اقدامی است که فاقد هرگونه عنصر قانونی و حقوقی بوده و با بسیاری از اصول و قواعد حقوقی حاکم در نظام بین‌الملل، در تضاد بوده که مهم‌ترین آن، توسل به زور غیرقانونی است. حمله‌ای که مصداق بارز تروریسم دولتی و در مغایرت آشکار با منشور سازمان ملل متحد (به ویژه بند ۲ ماده ۴ مبتنی بر منع هرگونه توسل به زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی کشورها)، نقض حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد آمره بین‌الملل و نقض حقوق بشر بوده است. از آنجا که از نظر حقوقی هیچ نوع درگیری مسلحانه‌ای در زمان این حمله میان این آمریکا و ایران وجود نداشته است و همین وضعیت میان آمریکا و دولت عراق نیز صادق بوده است (ویک کارل،^۱ ۲۰۲۰).

بنابراین هدف قرار دادن فرماندهان نظامی ایران و عراق را به هیچ وجه نمی‌توان به عنوان هدف و اقدام دفاعی مشروع از سوی آمریکا پذیرفت. سردار شهید سلیمانی در قالب همکاری بین‌الدولی ایران و عراق برای مبارزه با تروریسم به عراق تردد

^۱VICK, KARL



داشت و از این جهت حضور نظامی وی در خاک کشور عراق، با هماهنگی و رضایت دولت بغداد بوده است. از آنجا که سردار سلیمانی مقام ارشد نظامی جمهوری اسلامی ایران بوده و بالطبع در مأموریت‌های خارجی، از مصونیت‌های شناخته شده و مرسوم در کشور عراق برخوردار بوده است لذا حمله صورت گرفته آمریکا به او و همراهانش در خاک عراق، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی دولت عراق را که در منشور سازمان ملل متحد و نیز در اسناد و مدارک معتبر بین‌المللی به‌عنوان اصول بنیادین و مرتبط با قواعد آمره بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است، توأمان نقض نموده است (جاناتان، ۲۰۲۰)

۲- نتیجه‌گیری

ترور اقدامی ترس‌آفرین، وحشت‌آمیز، غیرقانونی، پنهانی، غافلگیرانه، رعب‌انگیز و... است که با کشتن افراد مخالف (مخالفان سیاسی) و تخریب اماکن متعلق به آن‌ها از طریق روش‌های زورمدرانه، با وسائل و ابزار خشن صورت می‌گیرد. در حالی که روایات اسلامی ترور را به عنوان نشانه‌ای از علائم ظهور امام زمان علیه‌السلام مخالف ایمان و اسلام و... ذکر کرده و آن را باطل می‌داند. البته قرآن در قصاص، افساد در روی زمین و محاربه با خدا و رسول خدا، دستور کشتن داده است. ولی در هیچ یک از موارد، بر خلاف ترور، قتل به صورت پنهانی، بدون اذن امام معصوم علیه‌السلام یا نایب آنان، یا رهبری و حاکم اسلامی صورت نمی‌گیرد؛ و نیز بر خلاف ترور، این اقدام منجر به بازگشت آرامش به جامعه و بازگرداندن امنیت عمومی می‌گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مواردی، دستور کشتن افرادی را صادر کرده‌اند. افرادی که به هجو مسلمانان پرداخته‌اند، به دشمنان مسلمانان مدد رسانده‌اند، به



سلب امنیت عمومی دست زده‌اند، به ناموس مسلمانان تعدی کرده‌اند، به پیمان صلح با پیامبرصلی الله علیه وآله پایبند نمانده‌اند؛ بنابراین، فرمان پیامبرصلی الله علیه وآله برای کشتن آن‌ها، ترور نبود؛ زیرا ترور مخفیانه صورت می‌گیرد، وحشت می‌آفریند و ترور شونده بدون محاکمه ترور می‌شود، امام و پیامبرصلی الله علیه وآله در مقام حاکم اسلامی که شان قضاوت را نیز دارند، آشکارا دستور کشتن این افراد را صادر کرده است؛ و این اقدام‌ها، آرامش را برای جامعه اسلامی به ارمغان آورد. از این رو، در سیره نبوی نشانی از ترور وجود ندارد، بلکه در برخی از احادیث به جای مانده از پیامبرصلی الله علیه وآله ترور نهی شده است.

در سیره امامان معصوم علیهم السلام هم نمونه‌هایی از کشتن افراد دیده می‌شود که حيله‌گر، بدعت‌آور، فریب‌کار، غارتگر، جعل کننده احادیث، غلوکننده امام معصوم علیه السلام، بهتان‌زننده به شیعیان، تباه کننده عقاید مسلمانان، هرزه، منحرف، شرور، جرثومه فساد و تباهی، گمراه کننده مردم و... بوده‌اند. اقدام‌های امامان معصوم علیهم السلام هم معنا و مفهوم ترور را ندارد. به آن جهت که فرد کشته شده از سوی امام معصوم علیه السلام که شانیت قضا و افتاء را دارد، مجرم شناخته شده و مردم از انحراف، زنان مسلمان، از تجاوز، مسلمین از بهتان، عقاید مردم از بدعت نجات یافتند. در حالی که ترور به انحراف فکری، سلب آسایش عمومی، برقراری خشونت و نفی امنیت می‌انجامد.

علاوه بر آن، مخالفت امام جعفر صادق علیه السلام، حداقل در دو حدیثی که از ایشان نقل کردیم و نیز مخالفت مسلم بن عقیل علیه السلام و امام خمینی قدس سره با ترور مخالفان اسلام، جای هیچگونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد که در سیره امامان معصوم علیهم السلام و یاران و پیروان راستین و صدیق آنان ترور، مخالف ایمان و اسلام است؛ بنابراین، اسلام با کشتن پنهانی افراد که مشخصه اصلی ترور می‌باشد، مخالف است؛ بنابراین، دینی که استوانه‌ها و پایه‌های آن، بر



رحمت، مهربانی، پرهیز از سنگدلی، بخشایش و گذشت و عفو، هم در سخن و هم در عمل تأکید می‌ورزد و به آن توصیه می‌کند، هرگز به قتل پنهانی و بدون محاکمه و حکم قضایی، فرمان نمی‌دهد. در واقع اسلام با کشتن انسان‌ها به غیر حق، سر ناسازگاری دارد. البته موارد حق هم معدودند، مانند کشتن محارب. نمونه‌های اندکی در تاریخ اسلام دیده می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام دستور به قتل داده‌اند، این قتل‌ها با هیچ یک از معیارهای ترور تناسب ندارد؛ مثلاً ترور به هراس افکنی می‌انجامد، در حالی که کشتن اشرف و فارس به آرامش جامعه انجامید. به علاوه، ترور یک عمل غیر قانونی است، ولی آن دو بر اساس قانون اسلام کشته شدند. سخن را با بیانی از مقام معظم رهبری به پایان می‌بریم:

آن روزی که پیامبر صلی الله علیه وآله دستور داد که آن افراد را ترور کنند، در گوش کسی نگفت، علناً گفت که هرکس هند را پیدا کرد، او را بکشد. هر کس فلان بن فلان را پیدا کرد، او را بکشد. امام قدس سره گفت: هرکس سلمان رشدی را پیدا کرد، او را بکشد. امروز هم رهبری اگر بر طبق احکام اسلام یک جا تکلیفش اقتضا کند، علنی خواهد گفت؛ مخفیانه و درگوشی نیست.



منابع

- ۱- آشوری، داریوش. (۱۳۹۷). دانش‌نامه سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- ۲- افتخاری‌راد، امیرهوشنگ؛ فتوره‌چی، نادر. (۱۳۹۵). ترور و تفکر، بی‌جا: انتشارات چشمه.
- ۳- ترابی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). بررسی مبانی فقهی و حقوقی ترور از دیدگاه مذاهب امامیه و حنابله، غیر دولتی - دانشگاه آزاد اسلامی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - [کارشناسی ارشد]
- ۴- دشتی، محمد. (۱۳۸۰). نهج‌البلاغه، چاپ اول. قم: انتشاراتدانش.
- ۵- جانان‌تان مارکوس (۳ ژانویه ۲۰۲۰ - ۱۳ دی ۱۳۹۸). قاسم سلیمانی، چرا فرمانده سپاه قدس را کشتند و چه اتفاقی خواهد افتاد؟، بی‌بی‌سی فارسی.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۷- حسینی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی دیدگاه آیات و روایات پیرامون ترور با تکیه بر پاسخگویی به شبهات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن مجید، دانشکده تفسیر معارف قران قم
- ۸- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). صحیفه امام، چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۹- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۴۳). لغتنامه، تهران: دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران.
- ۱۰- طباطبایی، محمدمهدی. (۱۳۹۳). ترور فرهنگی و ترور فیزیکی، نشریه نسیم بیداری، شماره ۵۵



۱۱- طبری، ابنجریر. (۱۴۰۵). تاریخ الامم و الملوك، بیروت: انتشارات مؤسسه الاعمی.

۱۲- قیّم، عبدالنّبی. (۱۳۸۴). فرهنگ معاصر عربی به فارسی، چاپ چهارم. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

۱۳- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار، جلد ۴۷. بیروت: نشر مؤسسه وقا.

۱۴- مرعشی، حسن. (۱۳۹۰). مبانی فقهی محکومیت تروریسم، مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع، چاپ اول. تهران: دانشکده علوم قضائی.

۱۵- هاشمی شاهرودی، محمد. (۱۳۹۰). مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، چاپ اول. تهران: دانشکده علوم قضایی.

16- VICK, KARL (3 January 2020). "Why the U.S. Assassination of Iranian Quds Force Leader Qasem Soleimani Has the U.S. Bracing for Retaliation". time.com. Time (magazine). Retrieved 7 January 2020